



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

**عنوان :**

**تأثیر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بر روابط با کشورهای فارسی زبان  
(افغانستان و تاجیکستان در مقطع بعد از انقلاب اسلامی)**

**استاد راهنما :**

**جناب آقای دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند**

**استاد مشاور :**

**جناب آقای دکتر کیمرث جهانگیر**

**نگارش:**

**مرتضی اسمعیلی**

**پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی**

**(گرایش مسائل ایران)**

**شهریور ۱۳۹۰**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

**عنوان :**

**تأثیر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بر روابط با کشورهای فارسی زبان  
(افغانستان و تاجیکستان در مقطع بعد از انقلاب اسلامی)**

**استاد راهنما :**

**جناب آقای دکتر محمد جعفر جوادی ارجمند**

**استاد مشاور :**

**جناب آقای دکتر کیمرث جهانگیر**

**نگارش :**

**مرتضی اسمعیلی**

**پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی  
(گرایش مسائل ایران)**

**شهریور ۱۳۹۰**

تقدیم به تمامی کسانی که به من آموختند ...

## چکیده

امروزه بیشتر دولت‌ها علاوه بر استفاده از دیپلماسی سنتی، توجه و تاکید ویژه‌ای نسبت به دیپلماسی عمومی مبذول داشته‌اند. استفاده از دیپلماسی عمومی به ویژه در قرن بیست و یکم نه تنها نشانه ترس و ضعف دولت‌ها نبوده، بلکه شاخصی برای سنجش پویایی و موفقیت سیاست خارجی کشورها نیز می‌باشد. این پژوهش با طرح این سوال که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران چه تاثیری بر روابط با افغانستان و تاجیکستان داشته است؟ این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و تاجیکستان موجب گسترش روابط با این کشورهای فارسی‌زبان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی-تجاری، امنیتی، فرهنگی و نظامی شده است. این نوشتار ضمن بررسی تفصیلی دیپلماسی عمومی بطور کلی و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای خاص، و همین‌طور پرداختن به اقدامات و فعالیت‌های ایران در افغانستان و تاجیکستان و ارزیابی این اقدامات در حوزه‌های پنج‌گانه برقراری روابط دیپلماتیک، رفت و آمد متقابل هیات‌های سیاسی، مواضع مشترک سیاسی، مبادلات اقتصادی و تجاری و رفت و آمد متقابل هیات‌های علمی و فرهنگی، نشان می‌دهد که دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان و تاجیکستان موجب گسترش روابط با این کشورها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی-تجاری، امنیتی، فرهنگی و نظامی شده است.

واژگان کلیدی: ایران، تاجیکستان، افغانستان، دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، کشورهای فارسی‌زبان، دیپلماسی فرهنگی.

از تمامی اساتید ارجمند و دوستان عزیز که در نگارش این مجموعه این حقیر را یاری نمودند، تقدیر و تشکر می‌کنم و موفقیت و پیروزی در زندگی و طول عمر ایشان را از خداوند بزرگ مسئلت دارم.

## فصل اول: کلیات پژوهش

۲.....	مقدمه
۴.....	بیان مسئله
۷.....	بررسی ادبیات موضوع
۲۱.....	هدف پژوهش
۲۲.....	محدودیت های پژوهش
۲۲.....	نتیجه و کاربرد پژوهش
۲۳.....	سوالات اصلی و فرعی
۲۴.....	فرضیات اصلی و فرعی
۲۴.....	مفاهیم پژوهش
۲۴.....	الف: دیپلماسی عمومی
۲۵.....	ب: دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران
۲۵.....	ج: کشورهای فارسی زبان
۲۵.....	متغیرها
۲۶.....	روش های آزمون فرضیات
۲۷.....	مدل دیپلماسی عمومی
۲۸.....	سازماندهی پژوهش

## فصل دوم: چارچوب مفهومی پژوهش

۳۳.....	مفهوم دیپلماسی عمومی
۳۳.....	۱. تعریف مفاهیم سیاست خارجی و دیپلماسی
۳۷.....	۲. دیپلماسی عمومی
۴۳.....	۳. مقایسه دیپلماسی عمومی با دیپلماسی سنتی

۴۶.....	زمینه های تاریخی شکل گیری دیپلماسی عمومی
۴۸.....	۴-۱. جنگ جهانی اول
۴۹.....	۴-۲. جنگ جهانی دوم
۵۰.....	۴-۳. جنگ سرد
۵۱.....	۴-۴. بعد از جنگ سرد
۵۲.....	۵. اهمیت دیپلماسی عمومی
۵۵.....	۶. اهداف دیپلماسی عمومی
۵۶.....	۷. مخاطبان دیپلماسی عمومی
۵۷.....	۸. تفاوت دیپلماسی عمومی با سایر اصطلاحات مشابه
۵۷.....	۸-۱. جنگ روانی
۵۹.....	۸-۲. تبلیغات
۶۱.....	۸-۳. روابط عمومی
۶۱.....	۸-۴. روابط فرهنگی
۶۲.....	۹. بازیگران حوزه دیپلماسی عمومی
۶۳.....	۱۰. ابزارها و شاخصه های دیپلماسی عمومی
۶۳.....	۱۱. کارکرد دیپلماسی عمومی
۶۷.....	۱۲. ابعاد دیپلماسی عمومی
۶۸.....	۱۲-۱. مدیریت اخبار
۶۹.....	۱۲-۲. ارتباطات استراتژیک
۶۹.....	۱۲-۳. رابطه سازی
۷۰.....	دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای فارسی زبان
۷۰.....	۱. دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران
۷۰.....	۱-۱ قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در ج.ا.ا.
۷۴.....	۱-۲ صدور انقلاب و دیپلماسی عمومی
۷۸.....	۱-۳ کارگزاران دیپلماسی عمومی در ج.ا.ا.



۲.کشورهای فارسی زبان.....۸۴

۲-۱ تاجیکستان.....۸۵

۲-۲ افغانستان.....۸۶

## فصل سوم: دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان

۱. معرفی کشور تاجیکستان.....۸۹

۱-۱ موقعیت جغرافیایی.....۸۹

۱-۲ جغرافیای انسانی.....۹۰

۱-۳ جغرافیای سیاسی.....۹۰

۱-۴ دین و مذهب.....۹۱

۱-۵ فرهنگ و جامعه.....۹۲

۱-۶ زبان و خط.....۹۲

۱-۷ اوضاع اقتصادی.....۹۳

۱-۸ سیاست و حکومت.....۹۴

۱-۹ روابط خارجی تاجیکستان.....۹۶

۱-۱۰ روابط تاجیکستان با جمهوری اسلامی ایران.....۹۷

۱-۱۱ روابط تاجیکستان با افغانستان.....۹۸

۲. عملکرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در تاجیکستان.....۹۹

۲-۱ مراکز، موسسات و انجمن های فرهنگی و دوستی ایران و تاجیکستان؛ مقیم ایران.....۱۰۰

۲-۲ مراکز، موسسات و انجمن های فرهنگی و دوستی ایران و تاجیکستان؛ مقیم تاجیکستان.....۱۰۰

۲-۳ اسناد فرهنگی منعقد شده بین ج.ا.ا. و تاجیکستان.....۱۰۲

الف: موافقت نامه ها.....۱۰۲

ب: تفاهم نامه ها.....۱۰۳

ج: اسناد خواهر خواندگی.....۱۰۵

د:برنامه مبادلات فرهنگی.....۱۰۵

## فصل چهارم:دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان

۱.معرفی کشور افغانستان.....۱۱۰

۱-۱ موقعیت جغرافیایی.....۱۱۰

۱-۲ جغرافیای انسانی.....۱۱۱

۱-۳ جغرافیای سیاسی.....۱۱۲

۱-۴ دین و مذهب.....۱۱۳

۱-۵ فرهنگ و جامعه.....۱۱۴

۱-۶ زبان و خط.....۱۱۴

۱-۷ اوضاع اقتصادی.....۱۱۴

۱-۸ سیاست و حکومت.....۱۱۵

۱-۹ روابط خارجی افغانستان.....۱۱۸

۱-۱۰ روابط افغانستان با جمهوری اسلامی ایران.....۱۱۹

۱-۱۱ روابط افغانستان و تاجیکستان.....۱۲۲

۲.عملکرد دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان.....۱۲۲

۲-۱ مراکز،موسسات و انجمن های فرهنگی و دوستی ایران و افغانستان؛مقیم ایران.....۱۲۳

۲-۲ مراکز،موسسات و انجمن های فرهنگی و دوستی ایران و افغانستان؛مقیم افغانستان.....۱۲۳

۲-۳ اسناد فرهنگی منعقدہ بین ج.ا.ا. و افغانستان.....۱۲۴

الف:موافقت نامه ها.....۱۲۵

ب:تفاهم نامه ها.....۱۲۶

ج:اسناد خواهر خواندگی.....۱۲۸

د:برنامه مبادلات فرهنگی.....۱۲۸

## فصل پنجم:ارزیابی عملکرد دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. در کشورهای فارسی زبان

- ۱-۵ ارزیابی عملکرد دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. در تاجیکستان..... ۱۳۲
- برقراری روابط دیپلماتیک..... ۱۳۳
- رفت و آمد متقابل هیات های سیاسی..... ۱۳۳
- مواضع مشترک سیاسی..... ۱۳۸
- مبادلات اقتصادی و تجاری..... ۱۳۹
- رفت و آمد متقابل هیات های علمی و فرهنگی..... ۱۴۱
- ۲-۵ ارزیابی عملکرد دیپلماسی عمومی ج.ا.ا. در افغانستان..... ۱۵۸
- برقراری روابط دیپلماتیک..... ۱۵۹
- رفت و آمد متقابل هیات های سیاسی..... ۱۶۰
- مبادلات اقتصادی و تجاری..... ۱۶۱
- مواضع مشترک سیاسی..... ۱۶۴
- رفت و آمد متقابل هیات های علمی و فرهنگی..... ۱۶۵

## فصل ششم: نتیجه گیری؛ انتقادات و پیشنهادات

- نقاط قوت و فرصت های دیپلماسی عمومی ایران در کشورهای فارسی زبان..... ۱۷۱
- نقاط ضعف دیپلماسی عمومی ایران در کشورهای فارسی زبان..... ۱۷۳
- تهدیدها و چالش های دیپلماسی عمومی ایران در کشورهای فارسی زبان..... ۱۷۵
- راهکارها برای ارتقای دیپلماسی عمومی ایران در کشورهای فارسی زبان..... ۱۷۷

## ضمائم

### ضمیمه شماره ۱

- عملکرد دیپلماسی عمومی ایران در تاجیکستان در حوزه فرهنگی..... ۱۸۰

### ضمیمه شماره ۲

- عملکرد دیپلماسی عمومی ایران در تاجیکستان در حوزه اقتصادی..... ۲۰۴

### ضمیمه شماره ۳

عملکرد دیپلماسی عمومی ایران در تاجیکستان در حوزه سیاسی..... ۲۰۵

ضمیمه شماره ۴

عملکرد دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان در حوزه فرهنگی..... ۲۱۲

ضمیمه شماره ۵

عملکرد دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان در حوزه اقتصادی..... ۲۱۸

ضمیمه شماره ۶

عملکرد دیپلماسی عمومی ایران در افغانستان در حوزه سیاسی..... ۲۱۹

## منابع پژوهش

منابع

فارسی..... ۲۲۲

منابع

لاتین..... ۲۲۹

منابع

اینترنتی..... ۲۳۲

## فصل اول: کلیات پژوهش

## مقدمه:

«دیپلماسی»<sup>۱</sup> هنر و تمرین راهبردی مذاکرات میان نمایندگان گروه‌ها یا ملت‌هاست. در اکثر مواقع بیان این مسئله در گفتگوهای روزانه به بخش بین‌المللی این مفهوم بازمی‌گردد که در آن دیپلمات‌های حرفه‌ای این نقش را ایفا می‌کنند. پایان جنگ جهانی دوم و مرزبندی جهان میان شرق و غرب و تلاش هر یک از دو بلوک برای تقویت جبهه خود و بسط نفوذ در حیطه دیگری، آغاز جنگ سرد و پایان آن با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، خیزش‌های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه در نقاط مختلف جهان، شکل‌گیری قدرت‌های جدید منطقه‌ای و بین‌المللی و وقایع سال‌های اخیر، به ویژه وقوع حادثه سپتامبر ۲۰۰۱، موجب شد تا عنصر فرهنگ و موضوع روابط فرهنگی در کنار موضوعاتی نظیر صلح، اقتصاد، تجارت و جنگ، که از مباحث معمول نزد دیپلمات‌ها بودند، توجه خاصی را به خود معطوف نماید.

نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی همواره جزء اهداف اصلی کشورها در تدوین و اجرای سیاست خارجی‌اشان بوده است. برای تحلیل این مقاصد کشورها عمدتاً و به طور سنتی نوعی دیپلماسی مبتنی بر رویکردها و ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی را در پیش می‌گیرند، با این همه در سال‌های نیمه اول قرن بیستم رویکردهای نسبتاً جدیدی در تعقیب منافع ملی در عرصه بین‌المللی مطرح شد که توجه افزون‌تر و تاکید بیشتر بر راهکارها و ابزارهای فرهنگی را به سیاستمداران و طراحان سیاست خارجی توصیه می‌کرد.

تغییر شرایط و مطرح شدن مولفه‌های جدید و تاثیر گذار در عرصه بین‌المللی باعث شده است تا کشورها برای پیشبرد هر چه بهتر منافع ملی خود ابزارها و سیاست‌های جدیدی را تعریف و به کار ببرند. در واقع انقلاب ارتباطات و گسترش وسایل ارتباط جمعی از یک طرف و فعال شدن بازیگران غیر دولتی مانند سازمان‌های غیر دولتی، نهادهای مدنی و شرکت‌ها منجر به نقش یافتن بیش از پیش افکار عمومی به عنوان یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری‌های کشورها در حوزه‌های گوناگون شده است.

---

<sup>۱</sup>.Diplomacy

همزمان با این تحولات آخرین دهه های قرن بیستم تغییرات عمیقی را در حوزه دیپلماسی نشان می دهد. نکته شایان ذکر و قابل تاکید این است که حاکمیت ملی کشورها نسبت به گذشته کم رنگ تر شده است. به عبارت دیگر حاکمیت که حمایت کننده دولت های ملی از مداخله بازیگران خارجی بود با چالش های عمده ای مواجه شد. فعالیت های دیپلماتیک به کثرت در خارج از ساختار سنتی اتاق های کنفرانس واقع شد و مردم عادی نیز در سطوح مختلف در این عرصه وارد شدند. فناوری اطلاعات و شبکه های اینترنت باعث شدند تا کابوس فاصله ها در هم شکسته شود و ارتباط مستمر میان مردم دنیا در شکل های مختلف و سطوح گوناگون به آسانی میسر گردد.

کسب وجهه و اعتبار بین المللی و نفوذ در افکار عمومی جهانیان یا به تعبیر برخی از اندیشمندان دست یابی به «قدرت نرم»<sup>۱</sup>، به موازات و حتی فراتر از آن کسب همین مقصود در سطح ملی از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده دیپلماسی کشورها در روابط فی ما بین می باشد. این مهم به تناسب موقعیت و جایگاه و مقدرات و محذورات هر کشور در عرصه بین المللی به شیوه های مختلف و از کانالها و مجاری متعددی دنبال می گردد. دفاع از ارزش های مقبول همگانی، صدور اقلام و مصنوعات فرهنگی و مادی با کیفیت، اتخاذ مواضع منطقی و ظاهرپسند، تحرک جدی در عرصه دیپلماتیک، مشارکت فعال در اقدامات بین المللی، میزبانی نشست ها و مسابقات بین المللی، اعطای کمک های بشردوستانه، جذب گردشگر و ... بخشی از سیاست های رایج و تجربه شده ای است که هر کشور به فراخور حال در جهت نیل به این مقاصد از آنها بهره می گیرد.

بنابراین در دنیای مدرن امروزین کشورها قادر نیستند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین دولتی خود در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند. اینکه یک کشور چگونه در رسانه های جهانی تصویر و توصیف می شود، چگونه بحرانی را که توسط رسانه ها پوشش داده شده مدیریت می کند و اینکه مقام ها و کارگزاران رسمی یک کشور با افکار عمومی جهانی و دولت ها چگونه تعامل می کنند از جمله عوامل تعیین کننده در پیشبرد اهداف و منافع ملی هر کشوری می باشد. هر چند وزرای خارجه و دیپلمات ها نقش بسیار مهمی در پیشبرد این مقوله ایفا می کنند اما تحقق این اهداف صرفاً از طریق چارچوبه های سنتی ارتباطات بین دولتی امکانپذیر نمی باشد، بلکه شامل استفاده نظام مند از پتانسیل افکار عمومی و تاثیر آن بر تصمیم سازان و تصمیم گیران نیز می باشد.

---

<sup>۱</sup>.Soft Power

این امر موجب شده است تا در بسیاری از کشورها سازوکارهای جدیدی برای دستگاه دیپلماسی تعریف گردد که یکی از آنها «دیپلماسی عمومی»<sup>۱</sup> خوانده می شود. در این دیپلماسی که بخش دولتی و بخش خصوصی همراه با یکدیگر عمل می کنند، تلاش عمده سیاستگذار ارتباط با مخاطب عام و افکار عمومی است تا بتواند پیام مورد نظر خود را منتقل کرده و بر تصمیم سازان تاثیرگذاری مطلوب را بنماید.

در این میان به نظر می رسد شرایط جدید جهانی نیز فرض های اساسی سه گانه ای را در اهمیت کاربرد دیپلماسی عمومی برای دولت ها مطرح می کند؛ اول اینکه دولت ها در قرن بیست و یکم دیگر نمی توانند مشکلات سیاست خارجی خود را به تنهایی حل کنند، بلکه نیازمند عملکرد بخش خصوصی خود نیز هستند. دوم، شهروندان امروزه خواهان مسئولیت پذیری و شفافیت بیشتر دولت ها هستند و سوم اشاره به این امر می باشد که سیاست خارجی و سیاست داخلی به شدت در هم تنیده شده اند و دیگر نمی توان هر یک را جداگانه تعریف کرد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۳).

از اینرو می توان عنوان کرد که در دنیای امروزی کشورهایی قادرند در عرصه بین المللی به پیشبرد اهداف سیاست خارجی و منافع ملی خود نائل شوند که در عین برخورداری از یک دیپلماسی سنتی (بین دولتی) قوی و کارآمد، بتوانند در حوزه نوین دیپلماسی (دیپلماسی عمومی) نیز از طریق تاثیرگذاری بر تصمیم سازان به واسطه مدیریت و هدایت افکار عمومی در کشورهای مقصد هم موفق عمل نمایند. مجموعه مطالب فوق اهمیت اتخاذ رویکرد دیپلماسی عمومی را در سیاست خارجی دو چندان می کند.

### بیان مسئله:

عبارت «دیپلماسی عمومی» در حوزه مطالعات روابط بین الملل اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ عمدتاً برای توصیف جنبه های جدید دیپلماسی بین المللی رایج شد. اصطلاح دیپلماسی عمومی نخستین بار در سال ۱۹۶۵ در ایالات متحده آمریکا توسط آلموند گولین، رئیس مدرسه «حقوق و

---

<sup>۱</sup>.Public Diplomacy

<sup>۲</sup>. Edmund Gullion

<sup>۳</sup>.Fletcher School Of Law and Diplomacy



دیپلماسی فلچر<sup>۱</sup> در دانشگاه «تافتز»<sup>۲</sup> به کار گرفته شد و عبارت است از ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی.

دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی یا تحت تاثیر قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دیگر است؛ ابزار اصلی آن انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت است (Wolfand and Rosen, ۲۰۰۴). بر اساس تعریفی دیگر از چارلز کیگلی، دیپلماسی عمومی به نوعی شکل جدیدی از تبلیغات است که به معنای گسترش نظام مند اطلاعات به منظور تاثیرگذاری بر افکار عمومی است. وی ابزارهای نفوذ یک کشور بر کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیر رسمی تقسیم می کند. بر این اساس دخالت آشکار نظامی زیر بخش نفوذ رسمی و کمک اقتصادی، کمک نظامی، دخالت پنهان اطلاعاتی و در نهایت نفوذ آشکار یا دیپلماسی عمومی زیر بخش نفوذ غیر رسمی بر شمرده می شود (آشنا، ۱۳۸۳). جین بیگلر<sup>۳</sup> نیز دیپلماسی عمومی را نفوذ موثر می داند و صرف ارتباط برقرار کردن را هدف دیپلماسی عمومی قلمداد نمی کند. وی معتقد است در دیپلماسی عمومی، مهم آن است که چگونه بتوانیم از طریق جلب نظر مردم (یا بخشی از مردم) سایر کشورها برای اعمال فشار بر دولت های خود برای حمایت از اهداف دولت خود دست یابیم (همان).

به طور کلی دیپلماسی عمومی شامل دو بعد دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه ای (دیجیتال) می باشد که این دو به همراه ابزارها و شاخصه های خود روی هم کلیت دیپلماسی عمومی را شکل می دهند. دیپلماسی عمومی از طریق اقداماتی مانند؛ انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه ها، پخش رادیو و تلویزیونی بین المللی، برنامه های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان، نمایشگاهها و جشنواره های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور، ایجاد پایگاه ها و سایت های اینترنتی، مجلات الکترونیکی، برنامه های سخنرانی و سی دی، برگزاری سمینارها و جلسات با تجار خارجی و چهره های شاخص دانشگاهی، تولید فیلم، تئاتر، مبادله استاد و دانشجو، خبرنگاران اعزامی و ..... صورت می گیرد. فرهنگ واژگان روابط بین الملل وزارت خارجه آمریکا در سال ۱۹۸۵ نیز در

---

<sup>۱</sup>. Tufts University.

<sup>۲</sup>. Gene E. Bigler

تعریف دیپلماسی عمومی ابزار اصلی آن را انتشار متن، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی، رادیو و تلویزیون و اینترنت می‌داند.

در راستای مطالب فوق‌الذکر باید اشاره کرد که سیاست خارجی نیز مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی-سیاسی ملت‌ها و کشورها به‌شمار می‌رود چون بقا و حیات آنها به سیاست خارجی بستگی دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱). کشور جمهوری اسلامی ایران نیز که از یکسو در عرصه بین‌المللی اهداف اسلامی و انقلابی و الایی را تعقیب می‌کند و از سوی دیگر با توجه به رویکرد و ایدئولوژی خاص خود و تلاش در جهت تغییر وضع موجود، از نقطه نظر اهمیت سیاست خارجی از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی و سیاست خارجی خود، همواره بعد مردمی و عمومی این‌گونه روابط را وجهه همت خود قرار داده و از ابتدا در کنار روابط رسمی با دولت‌های دیگر، در جهت تبیین اهداف و دست‌آوردهای خود و مقابله با تبلیغات رسانه‌ای و رفع اتهامات علیه کشور و ارائه تصویری صحیح از خود در جهان از یکسو و پیشبرد منافع ملی و تحقق سیاست خارجی خود از سوی دیگر، به ارتباط با افکار عمومی کشورهای دیگر توجه ویژه‌ای داشته است.

در بررسی قانون اساسی و همین‌طور سند چشم‌انداز بیست‌ساله اشاره به دیپلماسی عمومی در موارد متعددی مشاهده می‌شود، هر چند باید این نکته را مدنظر قرار داد که این اشاره و تأکید به کلی به لحاظ مفهومی می‌باشد و از لحاظ لفظی واژه دیپلماسی عمومی مورد اشاره قرار نگرفته است که شاید تا حدودی نیز بتوان این امر را به دلیل نو بودن این تلقی نوین از دیپلماسی دانست. هر چند صرف عدم وجود لفظ «دیپلماسی عمومی» در این متون بالا دستی را نمی‌توان دلیل بر مورد توجه قرار نگرفتن این مفهوم دانست، چنانچه همانگونه که عنوان شد در موارد متعددی می‌توان وجود این امر را به لحاظ مفهومی اثبات کرد.

اگرچه جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری، دیپلماسی عمومی و افکار عمومی در دیگر کشورها را وجهه همت خود قرار داده است، این امر در سال‌های اخیر که این رویکرد نوین به دیپلماسی و سیاست‌های فرهنگی برای تأمین منافع ملی همه کشورها نفوذ روزافزون خود را مطرح

ساخته است اهمیت دوچندان یافته است، به گونه ای که برخی از کارگزاران فرهنگی در شرایط کنونی نقشی برتر از مجریان اصلی سیلست خارجی پیدا کرده اند.

همچنان که دیپلماسی عمومی ابزاری نوین و کارآمد در پیشبرد منافع ملی و سیاست خارجی کشورها در عرصه جهانی و بین المللی می باشد، به اعتقاد کارشناسان و صاحب نظران این امر در روابط میان کشورهای که دارای علائق فرهنگی و تاریخی مشترک می باشند از اهمیتی مضاعف برخوردار می باشد. به موازات این امر، دیپلماسی عمومی در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان که پیشینه تاریخی و فرهنگی کمابیش مشترکی دارا می باشند در پیشبرد منافع ملی و تحقق سیاست خارجی می تواند مفید واقع شده و از طریق تاثیرگذاری بر افکار عمومی به اعمال نفوذ بر تصمیم سازان در این کشورها منجر شود.

در راستای مطالب ذکر شده در بالا در پژوهش حاضر تلاش بر این است که با توجه به اشارات متعدد به دیپلماسی عمومی در روابط جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها در متون بالادستی از یکسو و بستر مساعد کشورهای فارسی زبان به لحاظ تاریخی و فرهنگی در جهت پذیرش این نوع نوین دیپلماسی از سوی دیگر، به بررسی تاثیر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان بر گسترش یا عدم گسترش روابط با این کشورها در حوزه های موضوعی؛ سیاسی، اقتصادی - تجاری، امنیتی، فرهنگی و نظامی در مقطع زمانی بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شود.

### بررسی ادبیات پژوهش:

با بررسی منابع موجود ملاحظه می شود که متاسفانه تاکنون پیرامون دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به طور کلی و همچنین بررسی موردی دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی این کشور در روابط با کشورهای فارسی زبان به طور خاص، تحقیقی به صورت آکادمیک صورت نگرفته است. در سالهای گذشته کتابها، مقالات و پایان نامه هایی در مورد دیپلماسی عمومی نگاشته شده است اما آنچه جلب نظر می کند کمبود و به عبارتی فقدان منابعی پیرامون دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران می باشد و در منابع نگاشته شده عمدتاً به دیپلماسی عمومی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورها پرداخته شده است. نکته ای که شایان توجه می باشد این است که خود واژه دیپلماسی

عمومی نیز در کشور چندان شناخته شده نیست و از اینرو اگرچه به لحاظ مفهومی متونی در این زمینه موجود می باشد، اما در تمامی این منابع اشاره به روابط فرهنگی رفته است.

در این قسمت تلاش می شود تا ابتدا به مهم ترین متونی که تاکنون پیرامون دیپلماسی عمومی به طور کلی نگاشته شده است اشاره گردد و سپس به منابع موجود در زمینه خاص این پژوهش پرداخته می شود، هر چند همانگونه که اشاره شد در رابطه با موضوع این پژوهش به کمبود شدید یا به عبارتی فقدان منابع روبه رو می باشیم.

کتاب آمریکا (۶) ویژه دیپلماسی عمومی در آمریکا توسط موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر در سال ۱۳۸۴ به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب، پیشینه و مفهوم، ابعاد ساختاری، طراحی، سیاست گذاری، اجرا، اهداف و میزان تاثیر دیپلماسی عمومی و جایگاه آن در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم و به ویژه در قبال جهان اسلام (خاورمیانه و ایران) مورد بررسی قرار گرفته است. در مقاله اول، حسام الدین آشنا به بررسی «فرهنگ و ارتباطات در سیاست گذاری خارجی» پرداخته است. در این بررسی تاریخ و روند پیدایش و تکامل مفهوم دیپلماسی عمومی در خدمت سیاست خارجی قدرتهای بزرگ به ویژه ایالات متحده آمریکا و تاثیرگذاری منافع ملی و هویت فرهنگی به عنوان دو عامل خارجی اصلی تاثیرگذار بر دیپلماسی عمومی تبیین شده است. دیپلماسی عمومی قدرتهای بزرگ با رویکردهای دوگانه و ارتباط بین فرهنگی با هدف تاثیرگذاری و کنترل نگرش ها و رفتارهای انسانی در سطح توده ها برای تقویت منافع و جایگاه ملی در نزد افکار عمومی کشورهای هدف، طراحی و اجرا می گردد. در مقاله دوم کتاب حسن حسینی تلاش می نماید تا با ارائه بررسی داده ها و اطلاعات، پیوند منطقی و واقعی بین گفتار و رفتار دولتمردان آمریکایی را با هدف تسخیر «قلوب و عقول» جهانیان به ویژه جهان اسلام و خاورمیانه تجزیه و تحلیل کند. در مقاله سوم جایگاه دیپلماسی عمومی در استراتژی امنیت ملی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و مجموعه فعالیت های اطلاعاتی و عملیات روانی و فرهنگی که وسیله ای برای انتقال افکار و اندیشه ها به هر شیوه ممکن برای تاثیرگذاری بر رفتار و توده های مردم و در جهت تعمیق شکاف بین دولت و ملت کشور هدف است مورد ارزیابی قرار گرفته است. در چهارمین مقاله نیز حسینی به بررسی ارتباط و هم پیمانی دیرینه و تاریخی وسایل ارتباط جمعی با ابزار و ادوات نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در خلال جنگهای ویتنام و عراق